نام و نام خانوادگی: **نام پدر:** **نام دبیر : خانم کاظمی** **کلاس : هفتم**	**باسمه تعالی** **اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان** **اداره آموزش و پرورش ناحیه 6** **سال تحصیلی 1402 – 1401** **دبیرستان حضرت مریم** **(دوره اول)**	**نام درس : املا فارسی** **زمان امتحان : 50 دقیقه** **تاریخ امتحان : 17 / 3 / 1402** **آزمون نوبت دوم (خرداد ماه 1402)** **طراح : خانم کاظمی**

متن املا

الهی دلی ده که در کار تو جان بازیم ، جانی ده که کار آن جهان سازیم ، دانایی ده که از راه نیفتیم ، بینایی ده تا در چاه نیفتیم. توفیق ده تا ، در، دین استوار شویم.

جوان و نوجوان ، چشمه جوشان نیرو و استعداد است . جوان یعنی آینده خوب . جوانان ما اهل فکر کردن، تحلیل کردن و دریافتن هستند واین خود امتیازی دیگر است .

پدرم می گوید:« قلب، مهمانخانه نیست که آدم ها بیایند ، دو سه روزی توی آن بمانند و بعد بروند . قلب جای پدر ومادر ، خواهر و برادر وهمه قوم و خویش های خوب و حتی جای همه آدم های بد به شرطی که خودشان را درست کنند و دست از بد بودن بردارند و دیگران را اذیت نکنند.»

پروین از کودکی اهل تفکر بود. این کودک آرام و با استعداد ، با راهنمایی و کمک پدرش، سرودن شعر را آغاز کرد. پدر از پروین ، همچون مرواریدی در صدف ، با دقت مراقبت می کرد و او را مورد تشویق و تحسین قرار می داد.

امام خمینی رهبری کشور ما را بر عهده داشت . او در زمان رهبری ، خصوصیات دوران جوانی و میان سالی خویش را حفظ کرد و همچنان افتاده و فروتن بود . هیچ گاه قدرت او را از یاد خدا و محبت به مردم غافل نساخت .

آدم آهنی بادی در گلو انداخت و با لبخندی موذیانه به خود گفت:« نترس تو قوی ترین دستگاه در این نمایشگاه هستی و کسی نمی تواند به تو آسیبی برساند.» و پاهایش را محکم بر زمین کوبید آن چنان که زمین لرزید . شاپرک هم آرام و با خوش حالی بر روی شانه ی او نشست.